دستگیری ۳۶۶ اوباش و مزاحم در تهران

رئیس پلیس تهران از دستگیری ۳۶۶ اوباش و مزاحم محلات در پایتخت در اولین مرحله اجرای طرح سراسری برخورد با اراذل و اوباش و مزاحمین محلات خبر داد.

سردار حسین رحیمی اظهار کرد: در این طرح ۲۵۰ پرونده تشکیل شده که ۱۴۲ پرونده شرارت، درگیری، عربده‌کشی، قدرت‌نمایی، درگیری مسلحانه، باج‌گیری، زورگیری و ضرب و جرح در ۴۸ ساعت گذشته توسط پلیس امنیت و با شکایت مردم پیگیری شد.

وی افزود: از این تعداد ۸۲ پرونده در رابطه با مزاحمان نوامیس و ۲۶ پرونده برای مشروبات الکلی و مواد مخدر تشکیل شده است.

رحیمی از پاکسازی ۲۹۱ محله در اجرای این طرح خبر داد و گفت: محلاتی همچون تهرانپارس، فرحزاد، ستارخان، خاک‌سفید، نظام‌آباد، نارمک، اتابک، مشیریه، نازی‌آباد، یاخچی‌آباد، فلاح، شهرک ولیعصر، جنت‌آباد، ۱۳آبان، شهرری و... پاکسازی شده است.

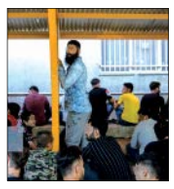

پشت صحنه یک جنایت

گلایه‌های قربانی اسیدپاشی و مادرش از بی‌مهری مسؤولان به آنها

آقای وزیر حتی دخترم را معاینه نکرد!

گروه حوادث

«من و دخترم قسم خورده‌ایم گذشت نکنیم و تمام تلاش‌مان را برای قصاص داماد سابقم انجام خواهیم داد. درد و رنجی که دخترم تحمل کرد، او نیز باید تحمل کند.» مادر نرگس، قربانی اسیدپاشی، درحالی مصرانه خواهان قصاص اسیدپاش است که هر دو چشم دخترش نابینا شده و پس ازگذشت هفت ماه از وقوع حادثه، همچنان چشم انتظار تسریع در رسیدگی به پرونده و محاکمه مرد اسیدپاش در دادگاه است. در پشت صحنه یک جنایت این هفته سراغ نرگس و مادرش رفته، پای درد دل آنها نشستیم.

چند ماه از اسیدپاشی می‌گذرد، اما تمام وجود مادر نرگس درست مثل روز اولی که با او صحبت کردیم، گلوله آتش بود. اسید، گوشت صورت، لاله و نرمه‌گوش‌ها، انگشت‌ها، دست‌ها تا آرنج و قفسه سینه‌اش را آب‌کرده است. جای شُره‌کردن اسید روی دست‌ها و آرنج مشخص است که نرگس خیلی سعی‌کرده مانع از ریخته شدن آن روی بقیه قسمت‌های بدنش شود، اما نتوانسته بود. مادر در خانه راه می‌رفت و با ناراحتی از بدی روزگارش می‌گفت و نرگس ۲۷ ساله در سکوتش به روز حادثه فکر می‌کرد.

تهدید به اسیدپاشی

هشت سال پیش نرگس و مجید با وجود مخالفت‌های مادر، با هم ازدواج کردند. چند سال اول، زندگی خوبی داشتند، اما با رفیق‌بازی و اعتیاد مجید، او دیگر آن مردی نبود که نرگس می‌خواست و تصمیم‌گرفت از او جدا شود و مجید هم مخالفتی نداشت. نرگس بدون گرفتن مهریه از مجید جدا و قرار شد پس از جدایی، پسر هفت ساله‌شان سه روز نزد مادر و سه روز نزد پدرش باشد. دو ماه پس از جدایی، تصور ازدواج مجدد نرگس، خواب و خوراك را به مجید حرام کرد. با نرگس تماس‌گرفت و از او خواست دوباره با هم ازدواج کنند. نرگس که تازه داشت طعم زندگی جدیدی را با پسرش می‌چشید، دست رد به سینه او زد. مجید که انتظار شنیدن «نه» را نداشت، نرگس را تهدیدکرد که اگر برنگردد، با ماشین از روی او رد می‌شود یا رویش اسید می‌پاشد. نرگس تهدیدهایش را جدی نگرفت و خودش هم قبول دارد بزرگ‌ترین اشتباهش همین بود.

۲۴ آبان سال‌گذشته، مجید تهدیدش را عملی کرد. نرگس ازآن روز به جام‌جم‌گفت: «در را که باز کردم، یك موتوری با کلاه کاسکت دیدم. تا مرا دید، سطل حاوی مایعی را روی صورتم خالی کرد. فهمیدم شوهرم است، چون هیچ‌کس با ما دشمنی نداشت. صورتم به‌شدت سوخت و پس از آن با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدم. در بیمارستان رسول اکرم(ص) چند عمل روی چشمانم انجام شد، اما پزشکان‌گفتند دیگر نمی‌شود کاری کرد. شوهر سابقم که هنوز در زندان است، چند بار تماس‌گرفت و خواست او را ببخشم، اما حاضر نشدم با او صحبت‌کنم. حتی‌گفته حاضر است با من ازدواج‌کند، اما نمی‌خواهم با چنین مرد خطرناکی دوباره زندگی‌کنم.»

یک نفر از مسؤولان هم حالم را نپرسید

دل نرگس از بی‌مهری مسؤولان پُر است. از این‌که چرا مسؤولان به سهیلا جورکش و آمنه بهرامی دو نفر از قربانیان اسیدپاشی توجه کردند، اما هیچ‌کس صدای او را نشنید. نرگس ادامه داد: «از روزی که در بیمارستان بستری شدم، حتی یك نفر هم نیامد حالم را بپرسد. هرکمکی تا الان دریافت کرده‌ایم، از طرف مردم و خیران بوده است. حتی هزینه‌های جاری زندگی‌مان هم توسط مردم تامین می‌شود. با این گرانی‌ها در حد توان خود کمك می‌کنند، اما کافی نیست و مخارج سرسام‌آور جراحی‌هایم تامین نمی‌شود. روز اول حادثه‌که شما با من مصاحبه‌کردید، از طریق روزنامه شما از دکتر هاشمی، وزیر پیشین بهداشت خواهش کردم چشمانم را معاینه کند، اما توجهی به خواسته‌ام نکرد.» نرگس از این موضوع هم ناراحت بودکه با وجود گذشت هفت ماه از حادثه، حتی یك بار هم دادگاه تشکیل نشده است: «مگر قوه قضاییه اعلام نکرده بود که به چنین پرونده‌هایی خارج از نوبت رسیدگی می‌شود، پس چه شد؟!»

وزیر، روزنامه را کنار گذاشت

مادر نرگس هم مثل دخترش از بی‌توجهی مسؤولان به وضعیت‌شان به‌شدت ناراحت بود و گفت: «وقتی روزنامه چاپ شد، از وزارت بهداشت درخواست کمك‌کردیم. وقتی به وزارتخانه رفتم، یکی از مسؤولانش‌گفت خانم، دکتر گزارش اسیدپاشی به دختر شما را دید و بعد روزنامه را کنار گذاشت. این کار انسانی است؟ خدا را خوش می‌آید، معاینه ساده هم نمی‌توانست انجام دهد؟»

مادر با بغضی که گلویش را فشار می‌داد، رئیس قوه قضاییه را خطاب قرار داد و گفت: «همین یك اولاد را دارم که یك نامرد این بلا را سرش آورد. با بدبختی این دختر را بدون پدر بزرگ کردم. آقای رئیسی از شما خواهش می‌کنم متهم را زودتر مجازات کنید. تا او را قصاص نکنم، دل سوخته‌ام آرام نمی‌شود.»

مادر با سوز دل و اشك چشمانش گفت یك کلینیك چشم پزشکی معروف در شیراز وجود دارد که می‌گویند: «یکی از چشم پزشکانش بسیار متبحر است و می‌تواند بینایی نرگس را برگرداند.»

مادر حتی حاضر است یك چشمش را به دخترش اهدا کند تا نرگس و پسرش بتوانند همدیگر را ببینند و برای هم بی‌تابی نکنند.

حالا نرگس منتظر توجه مسؤولان است تا در کنار رسیدن به حقش برای مجازات مرد اسیدپاش، بتواند دوباره بینایی‌اش را پیدا کند.

مادر نرگس:
آقای رئیسی از شما خواهش می‌کنم متهم را زودتر مجازات کنید. تا او را قصاص نکنم، دل سوخته‌ام آرام نمی‌شود

مجازات سنگین مجلس برای اسیدپاشی

نرگس در حالی در انتظار مجازات شوهرش است که نمایندگان مجلس ۱۹ خرداد امسال تبصره الحاقی به ماده یك طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن را با ۱۶۱ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۴۵ نماینده حاضر تصویب کردند. براساس این تبصره الحاقی، در مواردی که اسیدپاشی به قصد ارعاب باشد به نحوی که موجب ناامنی در جامعه شود؛ اقدام مرتکب افساد فی‌الارض محسوب و به مجازات آن محکوم می‌شود. طبق قانون مجازات اسلامی برای اتهام افساد فی‌الارض اشد مجازات یعنی اعدام در نظر گرفته شده اما در مواردی نیز احکامی دیگر نیز مانند قطع دست و پا یا تبعید صادر می‌شود.

مکث

ریشه‌های خشونت را خشك کنیم

دکتر علی نجفی‌توانا
جرم‌شناس و استاد دانشگاه

وجود استرس، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و بیماری‌های روحی مانند افسردگی، آستانه مقاومت فرد را ضعیف می‌کند به‌گونه‌ای که رفتارهای هیجانی افراد در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. افراد به حدی تحت تاثیر رفتار هیجانی قرار می‌گیرند که شخص در زمان ارتکاب به فعل به عواقب اقدامات خود نمی‌اندیشد و بدون استفاده از تجارب گذشته، نوعی حرکت غریزی که تحت‌تاثیر خوی حیوانی است را از خود بروزمی‌دهد.

اسیدپاشی در چند سال اخیر به عنوان یك انعکاس رفتار خشن، پرخاشگرانه، عصبی، هیجانی یا وحشتناك در حال افزایش بوده‌است. برای جلوگیری از چنین اقداماتی افراد باید به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و درازمدت و بحث فرهنگ‌سازی، آموزشی، ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی بپردازند و همچنین توان مدیریتی خود را افزایش دهند. بحث رفتارهای بحرانی یك امر اجتماعی ساده نیست، بلکه یك امر پیچیده است که پیام از مشکلات و مسائل ریشه‌ای دارد که باید به آن بیشتر پرداخت و مسؤولانه اندیشید.

فرار دختر دانشجو از تله شیطانی

پسر جوان که دختر دانشجو را ربوده بود تا قربانی نیت شیطانی‌اش کند در برابر حکم قطعی ۱۵سال زندان و شلاق قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه چهارم تیر سال ۹۷ دختر دانشجویی به نام پریناز با پلیس تماس گرفت و از پسر جوانی که وی را به دام شیطانی‌اش انداخته بود شکایت کرد. این دختر ۲۲ ساله به ماموران گفت: دانشجو هستم و خانواده‌ام در شهرستان زندگی می‌کنند. به همین خاطر از یك‌سال قبل که به تهران آمدم در خوابگاهی در خیابان امیرآباد شمالی ساکن هستم. عصر در میدان انقلاب سوار یك پراید سفید شدم تا از دانشگاه به خوابگاه برگردم. ماشین چند مسافر داشت و راننده آن پسر جوانی بود. راننده بعد از این‌که مسافرها پیاده شدند یکباره تغییر مسیر داد و به سمت اتوبان چمران حرکت کرد. وقتی به او اعتراض کردم سرم فریاد کشید و مرا تهدید به مرگ کرد. او اسپری اشك‌آور درآورد و از من خواست تسلیم خواسته شومش شوم اما چون مقاومت کردم مرا کتك زد. می‌خواستم خودم را از ماشین به بیرون پرتاب کنم اما درهای ماشین قفل بود. دختر جوان که از به یاد آوردن جنایت سیاه راننده شیطان‌صفت به گریه افتاده بود ادامه داد: راننده در خیابان خلوتی ماشین‌اش را متوقف کرد. او می‌خواست مرا آزار دهد که مقاومت کردم. او مرا اذیت کرد و وقتی دید نمی‌تواند به خواسته شومش برسد مرا مقابل خوابگاه دانشجویی پیاده کرد و رفت و من توانستم در تاریکی شب شماره پلاك ماشین را به خاطر بسپارم. با شکایت دختر جوان و اطلاعاتی که از پسر شیطان‌صفت به پلیس داده بود احسان ۲۲ ساله ردیابی و بازداشت شد. وی که منکر آدم‌ربایی و آزار دختر جوان بود در شعبه چهارم دادگاه کیفری یك استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و ادعای عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: من قصد آزار دختر جوان را نداشتم و اتهام آدم‌ربایی را نیز قبول ندارم. او خودش دربستی سوار ماشینم شد اما هنگامی که می‌خواست پیاده شود به قصد اخاذی از من پول خواست. من قبول نکردم به او پول بدهم به همین خاطر عصبانی شد و مرا تهدید کرد. سپس شماره پلاك ماشینم را برداشت و گفت مرا را به دردسر می‌اندازد. این متهم ادامه داد: من مدتی پیش جراحی باز قفسه سینه داشتم و نمی‌توانستم با دختر جوان درگیر شوم و او را آزار دهم. من در یك نمایشگاه خودرو کار می‌کنم و هیچ سابقه کیفری ندارم. این دختر بی‌دلیل علیه من شکایت کرده است. در ادامه جلسه دختر دانشجو مدارکی به پلیس ارائه داد که نشان می‌داد احسان قصد داشته وی را آزار دهد اما ناکام مانده ولی او را کتك زده و اذیت کرده است.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و احسان را به‌خاطر آدم‌ربایی به ۱۵ سال زندان و همچنین ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند. دیروز این حکم در شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و قطعی شد.

اعدام ۳ شیطان در زندان بندرعباس

عکس: روابط‌عمومی دادگستری هرمزگان

سه مرد شیطان‌صفت که پس از ربودن زنی در بندرعباس، او را مورد تجاوز قرار داده بودند در زندان این شهر به دار مجازات آویخته شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۳ و به‌دنبال شکایت زن جوانی در دستور کار تیم پلیس بندرعباس قرار گرفت.

زن جوان در شکایتش گفت: در یکی از محله‌های مرکزی بندرعباس در حال رفتن به خانه بودم که خودرویی مقابلم پیچید و سه سرنشین آن، با تهدید و زور مرا سوار خودرو کرده و به مخفیگاهشان بردند.

در آنجا سه مرد شیطان‌صفت بدون توجه به التماس‌هایم مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند. آنها مرا در خانه زندانی کرده بودند که در یك لحظه توانستم از غفلتشان استفاده کرده و از آنجا فرار کنم.

پس از این شکایت با دستور قضایی تیمی از ماموران با راهنمایی شاکی راهی مخفیگاه متهمان شده و آنها را دستگیر کردند.

با تایید آزار و اذیت زن جوان توسط پزشکی قانونی، پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان هرمزگان ارسال شد.

سه متجاوز پس از محاکمه به اعدام محکوم شدند که با اعتراض آنها به حکم، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد و قضات دیوان عالی کشور حکم مجازات را تایید کردند.

رئیس کل دادگستری استان هرمزگان دیروز از اجرای حکم سه متجاوز خبر داد و گفت: سه متجاوز به عنف که پس از ربودن زنی او را به‌طور وحشیانه مورد تجاوز قرار داده بودند در زندان مرکزی بندرعباس اعدام شدند.

علی صالحی با هشدار به اخلالگران در نظم و امنیت عمومی و تهدیدکنندگان حیثیت و ناموس مردم خاطرنشان کرد: افرادی که سودای چنین جرایم شیطانی را در سر می‌پرورانند، آگاه باشند و بدانند که دستگاه قضایی استان هرمزگان قاطعانه با آنها برخورد می‌کند و مجازات این‌گونه افراد مانند این سه متجاوز به عنف، صریح و بدون اغماض خواهد بود.

قربانی پرونده:
۳ مرد شیطان‌صفت بدون توجه به التماس‌هایم مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند

بازداشت زن هنجارشکن در رشت

زنی که در یکی از محله‌های شهر رشت اقدام به هنجارشکنی کرده بود، بازداشت شد.

حجت‌الاسلام علی مصطفوی‌نیا، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گیلان به میزان گفت: این خانم که با وجود تذکر مردم برای رعایت شئونات به اقدامات هنجارشکنانه خود اصرار می‌کرد، پس از ورود نیروی انتظامی نیز از دستور پلیس سر باز زد. با ادامه رفتار مجرمانه، او از سوی پلیس بازداشت شد. پرونده‌ای برای متهم تشکیل شده و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

تلنگر

سقوط مرگبار ۳ سارق هنگام فرار

سه سارق در جریان دو حادثه جداگانه هنگام فرار از محل‌های سرقت سقوط کردند و جان باختند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲۴ شامگاه سه‌شنبه، بیست و هشتم خرداد امسال کامران رضوانی، بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران از مرگ سارقی هنگام فرار از خانه مالباخته‌ای در محله ستارخان با خبر شد. ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شده و مشاهده کردند این مرد و همدستش موقع فرار از پنجره و بالکن طبقه چهارم سقوط کرده‌اند که یکی از آنها فوت شده و دیگری در جدال با مرگ است و سارق سوم نیز از سوی پلیس بازداشت شده است. در این مرحله صاحبخانه به افسر تحقیق گفت: دو ساعت پیش همراه همسر و فرزندم برای خرید وسایل تولد فرزندم به مغازه‌ای رفتیم. زمانی که بازگشتیم، در آپارتمان تخریب شده و صدای سارقانی را از داخل خانه شنیدیم. در را قفل کردم، از همسایه‌ها کمك خواستم و به پلیس زنگ زدم. در همان موقع از طریق همسایه‌ها متوجه شدم یکی از سارقان از طریق پنجره وارد بالکن شده تا فرارکند که پایین افتاده و فوت شده است.

وی افزود: با همسایه پشت‌بام را جست‌وجو کردیم که همان موقع دیدیم سارق دیگری ملحفه و پارچه پرده‌ای را گره زده و در حال فرار است که او نیز سقوط کرد و مصدوم شد. با حضور ماموران سومین سارق دستگیر شد و پول و طلاهای سرقت شده از خانه‌ام را از وی گرفتند.

این در حالی بود که پلیس ساعت ۶ صبح چهارشنبه از طریق بیمارستان از مرگ سارق دوم مطلع شد. سارق ۳۶ ساله بازداشت شده مورد تحقیق قرار گرفت و معلوم شد او یك سال به‌خاطر دزدی از خانه‌ها در زندان بوده و بعد از آزادی با دو دوستش سرقت‌ها را از سرگرفته است. آن شب سه نفری برای سرقت رفته بودند که دو نفرشان سقوط کرده و جان باختند.

سرهنگ موقوفه، جانشین رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ هم دیروز از سقوط مرگبار سارق دیگری خبر داد و گفت: ساعت ۲ بامداد بیست و پنجم خرداد امسال، مرد ۲۸ ساله‌ای بعد از سرقت پول و طلا به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان از طبقه دوم خانه‌ای در شهرك قدس تهران قصد خارج شدن از آنجا را داشت که با صاحبخانه روبه‌رو شد و هنگام فرار از پنجره سقوط کرد و جان باخت.

کشف جسد در کارتن تلویزیون

همزمان با کشف جسد مرد جوانی در کارتن رها شده در شرق تهران، پلیس پایتخت تحقیقات ویژه‌ای برای رازگشایی از هویت مقتول و شناسایی عاملان جنایت آغاز کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۲ بامداد چهارشنبه بیست و نهم خرداد امسال، یکی از ماموران کلانتری تهرانپارس با بازپرس کامران رضوانی تماس گرفت و از کشف جسد مرد جوانی در کارتن رها شده در خیابان خبرداد. بازپرس جنایی همراه تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا آنجا حاضر شدند. آنها در بازرسی کارتن تلویزیون مشاهده کردند جسد مرد حدودا ۳۰ ساله‌ای در آن افتاده است که شواهد نشان می‌داد براثر خفگی به قتل رسیده است. همچنین شواهد نشان می‌داد تقریبا هشت ساعت از مرگش می‌گذرد و به نظر می‌رسید او در مکان دیگری به قتل رسیده و قاتل یا قاتلان برای این‌که ردی از خود برجای نگذارند، جسد را داخل کارتن گذاشته و آنجا رها کرده‌اند. مقتول تی‌شرت و شلوار جین برتن داشت. او مدارکی همراه نداشت که هویت وی را مشخص کند. بنابراین با هماهنگی قضایی، جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد.

در این مرحله ماموران به تحقیق از مردی که جسد را یافته بود پرداختند که وی به افسر تحقیق گفت: کارم جمع کردن ضایعات و کارتن در محله‌هاست. نیمه شب در حال جمع‌آوری کارتن و ضایعات در شرق تهران بودم. همان موقع چشمانم به کارتنی افتادکه در کنار خیابانی خلوت رها شده بود. برای برداشتن کارتن خالی به آن سمت رفتم. بعد از باز کردن در کارتن با جسدی داخل آن روبه‌رو شدم.